



امام‌الصلح علیه السلام

نگاهی پژوهشی و تصویری
به بقاع متبرکه امامزاده‌های تهران

به کوشش
رضا مختاری

فهرست

۶	پیشگفتار
۸	مقدمه
۲۲	شرح حال حضرت امامزاده صالح (ع)
۲۹	جنرالیا
۳۳	تاریخ
۳۵	تاریخ
۳۸	بر کتب امامزاده صالح (ع) مرگبار تاریخ
۴۰	درخت جنت
۴۲	مهمان نهم سده (حکامین)
۴۵	زیارت
۵۱	نقوش
۵۷	آستان گردی
۵۹	بیمه تکلفی به آستان امامزاده صالح (ع)
۶۸	سورانی بهشت
۷۳	آستان و گنجینه
۷۷	آرامگاه پدری
۸۰	سالروز نهم پیش
۸۸	منابع





www.ketab.ir

پیشگفتار

ایم! این از نخستین روزهای ظهور است که پیش از پدیدار شدن جبهه جدید از همان ابتدا
 مختص پیروان گرامی است و خاندان پاکش در این سرزمین جاری گرفت و متداول به
 عنوان نوادگان رسول گرامی اسلام در میان مردم و لایحه گرفته و به ویژه آن گاه
 که در تبعیض از سلاله ایشان به خود باز از ریشه های زشتی ها و مناقب نیکو مکتوم اسلام و
 خاندان پاکش بودند از جمله این نوادگان رسول خدا ما را در گمان بودند که خلفای نبی امیه
 و بنی عباس جایگاه و نقش اجتماعی آنها را در نهایت و در پیگیری افکار عمومی سخن ندادیم
 حکومت اسلامی خود می دانستند و حضورشان را در میان مردم بر نمی تابیدند و به شیوه های
 مختلف در صدد از او شکسته و حتی قتل آنها بر می آمدند هجرت این امامزادگان به مناطق
 مختلف ایران در راهی از گشته و عداوت امویان و عباسیان است به آنها نمی گشت و مردمان
 خلفا هر کجا نام و نشانی از آنها می یافتند به سرافرازی می رفتند و به بدترین شیوه آنها را به
 شهادت می رساندند این رفتار خلفا آنها را به خواسته هایشان برساند و حتی موجب نفرت
 علاقه مردم به این خاندان شد هر جایکی از نوادگان رسول گرامی اسلام سر بر زمین گذاشت
 به مرور بارگاهی بر فراز قبرش استوار گشت و نشانی شد برای یادآوری سار و با ظلم و حجاب
 برای زیارت مردم و اظهار ارادت آنها نسبت به خاندان پاک پیغمبر اسلام و به ویژه این که

بنامبر^{۱۰۰} نیز به حقیقت برگزیده است و فضیلت زیارت مرقد این بزرگوار اشاره داشته است و رسول مکرر اسلام انتقال است که نه علی علیه السلام فرموده اند:

«يا أَيُّهَا الْعَالَمِينَ! إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَبْرَكَ وَفِرَّ وَلَكَ بَقَاءٌ مِنْ بَقَاءِ الْجَنَّةِ وَ عَرَضٌ مِنْ عَرْضِهَا وَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَلْبَكَ بَعْدَ مِنْ حَنَفٍ وَ صُغُوبَةٍ مِنْ عَادَةِ جَنِّ وَ تَكْمٍ وَ يَحْتَمِلُ الْعُدَّةَ وَ الْفَأْدَى هَيْكَلَهُ بِمَعْرُورٍ قَبْرُكُمْ وَ يَكْتُمُونَ بِبَابِهَا نَفْسَ مَنْ لَهُ مَوَدَّةٌ مِنْهُدٍ سَوَّلَهُ، أَوَّلُكَ يَا عَلِيُّ الْمُحْصِيُونَ»

شعاعی و لو از دور جویند و در آری خدا فی الحقیقه (تهدید) احکمت سبح موسی: ص ۶، ص ۱۳۲

ای ای الحسن قبر تو را در حقیقت در پیشگاه خداوند متعال چون قطعه ای از خاک بهشت و حانه ای از حانه های آن است. به وصف جلال و عزت بندگان برگزیده و مخلص به سوی شما مشتاق است و در زیارت شما سعی می داند که می خرد، قبول شما را از منی بازند و همواره برای تقرب به خدا و دوستی ببا من و زیارت من است یا علی! شعاعی من محض این گروه خواهد بود و این گروه من و از نوعی که در میان فرزندان بزرگواران من در بهشت خواهند بود.

بدین این خصوص، بقاع متبرکه امامزادگان در حقیقت می باشد از این زیارت و دانشمندی بار خدای که بر این پیشانی های هری معجز و در هر آری بنا شد، بارها و صریح و غیر صریح در تعداد از انواع هنرهای این کاشی کاری، آینه کاری، خام سازی، گچبری، نقاشی روی چوب و دیوار، طلاکاری، کتیبه نویسی و

چند گونه است

بسیاری از زیارت گاهها علاوه بر آن که زیارت گاه هستند، جلوه گاه عشق و محبت نیز می باشد و امامزاده شکران سلام^{۱۰۱} و بهینه ای بری تجدید عهد و ابرار عودیت و فراموشی داری و سرسبز و سرسبز به ذات قدس ناری عالی هستند. این زیارتگاهها منی هستند جهت اطلاع پیام عدالت خود و ظلم گیری و این پیام ها می توانی در آیات قرآن و اشعار شعری بهر مختصم کللی و زیارت نامه هایی مانند زیارت عاشورا یا مضامینی چون: ای سلیم امن سالمکه و حریت امن خاریکو مشاهده کرد که از یک سو مرتبه بر اهل بیت و یاد آور مظلومیت ذریه و آل رسول و از

سوی دیگر اعلام موضوع در برابر هر نوع رفتار مستغربه هستند.

هر چند بسیاری از امامزادگان مدفون در بقاع متبرکه شهر بهر شهرت ملی و حتی جهانی دارند؛ مؤسسه نشر شهر و مسکن به سازمان فرهنگی، هنری شهر داری تهران بر آن شد تا در قالب کتاب هایی مستقل و جهت آشنایی بیشتر شهروندان، به معرفی هر یک از این بزرگان و بقاع آنها بپردازد. در اینجا باید استاذ قدس فریخته جناب آقای دکتر حسن حبیبی را گرامی می داریم که فکر ارتقاء این اقدام بر عهده ایشان است و قرار بود نگارش مقدمه این مجموعه نیز توسط ایشان صورت گیرد. همچنین از جناب آقای رضا محاری که گردآوری و تدوین این مجموعه را عهده گرفتند شکر و قدر دانی می نمایم.

علی اکبر اشعری



مقدم

[illegible][illegible]

تیرز دسپهر تهران میز براه میست. اگر بگویم مرا یک نامی قدموجانست تهران، تهران شود
بزرگشکل بر این یلر که در قضاو ادهای سکر شاه علمیمسیری جهنم زبانه نامی دوجم که
بسی حد اعلای خود می نالست، بختند ادهای صغری به صرافت توسعه قریه کوچک تهران بخت
فلو یویش میهمان دکان در توسعه محلات، باصق تهران، می نکه که محقق قدمی بر این
می نکه تهران را کیه اسان نامی لادست نامی می نالست، حضور کلیدی بقا مصره امال
در حیات تاریخی و دهجگی شهر تهران و سحر می نالست

